

تفسیر متون و حیانی

سال سوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ص ۱۵۱-۱۲۶

بررسی و تحلیل اوصاف اهل کتاب و نحوه تعامل با آنان در قرآن کریم با تاکید
بر سوره‌های زهراوین

زهرا آقابابایی*^۱، حسین مرادی^۲، محمدحسین صائیبی^۳، فرهاد ادیسی^۴

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان. ایران

۲- استادیار و دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان. ایران

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۵/۱۸ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۶/۱۸

چکیده

سوره‌های بقره و آل عمران (سوره‌های زهراوین)، دارای بیشترین آیات مربوط به تعامل با اهل کتاب هستند. در این سوره‌ها خداوند تنها از یک دین برای تمامی نسل‌ها، به نام دین اسلام یاد می‌کند. با توجه به عصر حاضر که عصر تعامل با سایر ادیان الهی است، بررسی این موضوع دارای اهمیت ویژه‌ای است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی، در کتب علوم قرآنی و تفاسیر فریقین، به بررسی و تحلیل تعامل با اهل کتاب در قرآن، با تاکید بر سوره‌های زهراوین می‌پردازد. بنا بر یافته‌های تحقیق، اصل در قرآن کریم، اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به خدای واحد، نفی هر گونه شرک و تفرقه، ایمان به تمامی پیامبران و کتب آسمانی و فرشتگان، به عبارتی ایمان به دین واحد اسلام است. اما در مقابل این دستور خداوند در قرآن، اهل کتاب، عملکرد متفاوتی از خود نشان دادند که نحوه‌ی تعامل با آنان نیز متفاوت خواهد بود. با برخی از آنان زندگی مسالمت آمیز، و با برخی دیگر عدم تعامل، حتی جنگ و پیکار باید رفتار کرد.

واژگان کلیدی: اهل کتاب، زهراوین، یهود، نصاری

* نویسنده مسئول: زهرا آقابابایی

۱- مقدمه

قرآن کریم است، ضرورت دارد که این شناخت از اوصاف اهل کتاب، و نحوه تعامل با آنان از منظر قرآن، خصوصاً در سوره‌های زهراوین که بیشتر به این مهم تأکید دارد، مورد بررسی قرار بگیرد.

مفسران و پژوهشگران در تحقیقات خود به بررسی اوصاف اهل کتاب، در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. چه در زمینه اهل کتاب در قرآن، چه در روایات. و همچنین آیات مربوط به اهل کتاب را نیز مورد تفسیر قرار داده‌اند. تحقیق حاضر نیز در تکمیل تحقیقات پیشین، به بررسی اوصاف اهل کتاب و نحوه تعامل با آنان در قرآن، با تأکید بر سوره‌های زهراوین می‌پردازد. علت تأکید بر سوره‌های بقره و آل عمران به این است که: در این سوره‌ها، بیشتر از سایر سوره‌های قرآن به مسئله اهل کتاب تأکید شده است. به طوری در سوره آل عمران به طور صریح از یک دین، به نام اسلام برای تمامی نسل‌ها، چه گذشته و آینده اشاره می‌کند: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) (آل عمران: ۳/ ۱۹). و همچنین در این سوره خداوند می‌فرماید: غیر از دین اسلام، هیچ دینی از احدی پذیرفته نیست. و هر کسی غیر از اسلام، دینی طلب کند، از زیانکاران است: (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (آل عمران: ۳/ ۸۵). دوم اینکه: در این سوره خداوند به طور صریح، دعوت به اتحاد و همبستگی تمامی اهل کتاب، در سایه ایمان به خدای یگانه و نفی هر گونه شرک و تفرقه می‌کند: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا) (آل عمران: ۳/ ۶۴). سوم اینکه: در این سوره علاوه بر دعوت به خدای واحد، و دین واحد، دعوت به ایمان به همه پیامبران الهی، و کتب آسمانی شده است. چرا که هدف همه انبیاء الهی اجرای احکام دین واحد اسلام بوده است: (قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ ما أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إسماعيلَ وَ إسحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ ما أوتِيَ موسى وَ عيسى وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (آل عمران: ۳/ ۸۴). نتیجه اینکه، داشتن خدای واحد، دین واحد، پیامبران و کتب آسمانی

با اهداف واحد، پیروان واحد را می‌خواهد: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (انبیاء: ۲۱/۹۲). چهارم اینکه: در قرآن کریم، اهل کتاب، با عبارات: اهل کتاب ۳۱ بار، اوتوالکتاب ۱۶ بار، اتوا نصیبا من الکتاب ۳ بار، و الذین اتیناهم الکتاب ۳ بار مورد خطاب قرار گرفته‌اند. که در مجموع ۵۳ بار این عبارات برای اهل کتاب در قرآن به کار رفته است. لازم به ذکر است که، از مجموع ۵۳ بار، ۲۳ بار آن در سوره آل عمران آمده است که عبارتند از: از مجموع ۳۱ بار اهل کتاب، ۱۲ بار در سوره آل عمران در آیات: (۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۹۹)، از مجموع ۱۶ بار اوتوالکتاب، ۵ بار در سوره آل عمران در آیات: (۱۹، ۲۰، ۱۰۰، ۱۸۶، ۱۸۷)، و از مجموع ۳ بار اوتوا نصیباً من الکتاب، ۱ بار آن در سوره آل عمران در آیه (۲۳) آمده است که این کثرت واژگان مرتبط با اهل کتاب در این سوره، اهمیت این سوره برای انتخاب تحقیق را نشان می‌دهد. پنجم اینکه: در این سوره بیشترین آیات مربوط به اوصاف اهل کتاب آمده است که به دو گروه فاسقان اهل کتاب، و مومنان از اهل کتاب تقسیم می‌شوند. به عبارتی می‌توان گفت: سوره آل عمران، سوره اهل کتاب است.

اما در مورد سوره بقره، می‌توان گفت که بیشترین آیات مربوط به یهود را به خود اختصاص داده است به طوری که ۱۱ بار با خطاب «یا بنی اسرائیل» که شامل این آیات می‌باشد: (۴۰، ۴۷، ۱۲۲، ۲۱۱، ۲۴۶) که، از مجموع ۴۰ بار که در قرآن به کار رفته است، همچنین با خطاب یهود و نصاری در کنار هم ۵ بار از مجموع ۱۵ بار آن در سوره بقره آمده است که شامل این آیات می‌باشد: (۶۲، ۱۲۰، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۴۰). همچنین اوصاف یهود در سوره بقره، بیشتر از سوره‌های دیگر آمده است. در آیات ۶۷ تا ۷۳، در مورد بهانه جویی‌ها، و عدم اجرای دستور خداوند در رابطه با ذبح گاو و پیدا کردن قاتل، آیه ۸۹ در رابطه با کفر یهود، آیه ۴۴، کتمان حقایق توسط یهود و تحریف کتب آسمانی خودشان، در آیه ۷۵، گوساله پرستی بنی اسرائیل در آیه ۵۴، درخواست روئیت عینی خداوند، در آیه ۵۵، عهدها و پیمان‌هایی که خداوند با بنی اسرائیل بسته بود، و آنان پیمان شکنی کردند، در آیات ۸۳ تا ۸۵، فضیلت بنی اسرائیل نسبت به مردمان زمان خودشان در آیه ۴۷، نجات بنی اسرائیل از شکنجه فرعونیان

در آیه ۴۹، شکافتن دریا و نجات بنی‌اسرائیل از غرق شده در آیه ۵۰، حسادت یهود و اهل کتاب در آیات ۱۰۵ و ۱۰۹، کفر به آیات‌الله و کشتن به ناحق انبیاء الهی در آیه ۶۱، دشمنی با حضرت جبرئیل که فرشته وحی بود در آیات ۹۷ تا ۹۸، حریص بودن یهود به زندگی دنیا در آیه ۹۶، ادعای اختصاص داشتن آخرت به یهود در آیه ۹۴، اختلاف میان یهود و نصاری در آیه ۱۱۳، ادعای منحصر بودن هدایت در میان یهود و نصاری در آیه ۱۳۵، اعتراض به تغییر قبله از مسجدالاقصی به مسجدالحرام در آیه ۱۴۲، عدم تبعیت اهل کتاب از مسلمین در آیه ۱۴۵، شناخت پیامبر توسط اهل کتاب، در عین حال کتمان حقایق در آیه ۱۴۶، عدم تبعیت از فرستاده خداوند؛ یعنی حضرت طالوت در آیات ۲۴۶ تا ۲۴۸ و آیات دیگر.

آیاتی که در سوره آل عمران در رابطه با اهل کتاب آمده است: اختلاف اهل کتاب در رابطه با دین اسلام در آیه ۱۹، کفر به آیات‌الله و کشتن ناحق انبیاء الهی توسط عده ای از اهل کتاب، خصوصا یهود، در آیه ۲۱، ادعای اهل کتاب مبنی بر عذاب آنان محدود به چند روز معدود در آخرت در آیه ۲۴، محاجه اهل کتاب درباره ابراهیم(ع)، و ادعای یهودی و نصرانی بودن حضرت ابراهیم(ع) در آیات ۶۵ تا ۶۷، گمراه نمودن دیگران توسط اهل کتاب در آیه ۶۹، کفر اهل کتاب در آیه ۷۰، دعوت خداوند از اهل کتاب به اتحاد و همبستگی در آیه ۶۴، کتمان حقایق توسط اهل کتاب در آیات ۷۱ و ۱۸۷، دسیسه یهود برای گمراه کردن تازه مسلمانان در آیه ۷۲، عدم امانتداری عده ای از اهل کتاب در آیه ۷۵، تحریم طبیات برای بنی‌اسرائیل به خاطر ظلم و ستم‌هایی که کردند در آیه ۹۳، کفر اهل کتاب در آیه ۹۸، سد راه خدا شدن، و منحرف کردن مسلمانان توسط اهل کتاب در آیه ۹۹، یکسان نبودن همه اهل کتاب در آیات ۱۱۳ تا ۱۱۴، دادن نسبت فقر به خداوند توسط یهود در آیه ۱۸۱، آزار و اذیت مومنان توسط اهل کتاب در آیه ۱۸۶، ویژگی‌های مومنان اهل کتاب در آیه ۱۹۹.

۲- پیشینه ی تحقیق

اما به تحقیقاتی که در رابطه با اهل کتاب، قبلا انجام شده است که هیچ کدام در رابطه با موضوع تحقیق حاضر پرداخته نشده است و بیشتر به مسئله ی یهود پرداخته اند، که نمونه‌هایی آن عبارتند از:

عبدالفتاح طباره(بیتا) و (۱۳۵۱) در کتابی با عنوان «چهره یهود در قرآن» و «یهود از منظر قرآن»، ویژگیهای یهود را از منظر قرآن بیان کرده، در ادامه به فرجام یهود می‌پردازد که به خاطر نافرمانی هایش به عذاب خداوند در دنیا و آخرت مبتلا می‌شود.

فعال عراقی نژاد(۱۳۸۶) در کتابی با عنوان «یهود در المیزان»، یهود را از منظر علامه طباطبایی مورد بررسی قرار داده، و آیات مربوط به یهود را که در المیزان تفسیر شده، در کتابی گرد آورده است.

صادقی(۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «پیامبر(ص) و یهود حجاز» منابع تاریخی، مجموع برخوردهای مسلمین در صدر اسلام، و یهودیان ساکن حجاز در مدینه، برخوردهای غیر نظامی یهود، روابط خصمانه و قهر آمیز، شامل جنگها، و رفتار پیامبر(ص) با یهود را بررسی کرده است.

جلالی کندی (۱۳۸۰) و خوانین زاده(۱۳۷۹) در کتابی با عنوان «یهود شناخت، تاملی بر اندیشه، عمل و فرجام یهود» و پایان نامه‌ای با عنوان «یهود مدینه از آغاز تا فرجام» به بررسی اوصاف یهود، علت مغضوب شدن آنان، اندیشه‌های و صفات اخلاقی آنان پرداخته، و در آخر به فرجام و سرنوشت شوم آنان اشاره نموده است.

۳- محورهای دعوت به اتحاد و همبستگی

خداوند متعال در قرآن کریم تمامی اهل کتاب را دعوت به اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به خدای واحد و نفی هر گونه شرک و تفرق می‌کند: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...) (آل عمران: ۳/ ۶۴)؛ «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد».

کلمه در آیه فوق: گواهی است بر اینکه، غیر از خدای متعال، خدایی دیگری نیست (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۳۹). کلمه مشترک بین ما: آن چیزی است که، هیچ یک از پیامبران و کتابهای آسمانی در آن اختلاف ندارند. و آن این است که، خدا را به یگانگی بندگی کنیم، برای او، در بندگی کردن، کسی را مستحق شرکت ندانیم، و نگوییم عزیر و مسیح فرزندان خدا هستند و راهبان را در آنچه که تحریم و تحلیل می‌کنند، اطاعت نکنیم (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۲۴ / فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۵). یهود تنها به تورات، و نصاری هم به تورات و هم به انجیل ایمان دارند و مسلمانان، علاوه بر تورات و انجیل، به قرآن هم ایمان دارند. این کتب سه گانه، بر این عقیده وحدت نظر دارند که جهان دارای تدبیر کننده‌ای حکیم است. لکن نصاری در این زمینه دچار افراط شدند و برای خدا شریکانی قائل شدند و گفتند: او دارای فرزندی است. و نیز بزرگان دینی خود و راهبان به جای خدا پرستیدند. راهبانی که برای آنان چیزهایی را حلال و چیزهایی را حرام می‌کردند (مغنیه، بیتا، ج ۲، ص ۱۴۰).

خداوند از اهل کتب دعوت به وحدت و همبستگی کرده، می‌فرماید: بیایند به کلمه‌ای که بین همه آنها مشترک است، یعنی چیزی که در آن بین پیامبران الهی، و کتابهای آسمانی آنان اختلافی نیست، تمسک بجویند. و آن اینکه: خدا را خالصانه و یگانه بندگی کنند و برای او در معبودی شریکی قائل نشوند، و بعضی از آنها، بعضی

دیگر را اطاعت نکنند، و در آنچه که آنان دستور به معصیت از خداوند می‌دهند، با سجد و تعظیم، اطاعت نکنند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۱ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۱۳ / مراغی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۷).

۳-۱. اسلام تنها دین برگزیده

یکی از مشترکات اهل کتاب با مسلمانان دین مقدس اسلام است چرا که قرآن کریم بارها سخن از دین به میان آورده، اما هیچ‌گاه لفظ ادیان به کار نبرده. قرآن کریم که دین خدا را از آدم تا خاتم، یک دین و آئین معرفی می‌کند، یک نام روی آن می‌گذارد و آن «اسلام» است. لذا پیروان دین مقدس اسلام را مسلمین نامید: (مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا...)(حج: ۲۲ / ۷۴)؛ «از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید».

بنابراین تنها دینی که خداوند بر بندگانش برگزیده است تنها دین اسلام است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَلْتُوا أَلْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ...» (آل عمران: ۱۹ / ۳)؛ «دین در نزد خدا، اسلام است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود».

در آیه فوق منظور از «دین» طریق به سوی آخرت، و خداوند است (عندالله الاسلام) یعنی بعد از ظهور اسلام، طریق به سوی الله، منحصر در اسلام، و قطع ارتباط از سایر ادیان است. یهود و نصاری در مورد بعثت پیامبر موعود اتفاق نظر و یقین داشتند. اما هنگامی که ظهور کردند، به خاطر حسد، قدرت و ریاست طلبی، بعضی به حقیقت ایشان اقرار کردند، و بعضی منکر شدند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۳). جمله (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) جمله مستانفه است و تاکید می‌کند که دین مورد رضایت خداوند اسلام، همان توحید، و تمسک به شریعت پیامبر (ص) است

(شبر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰۴). ظاهراً مراد از دین، همان دین محمد (ص) که در آیه شریفه آمده: «رَضِيَتْ لَكُمْ الدِّينَ» (مائده: ۵) باشد، و نیز ممکن است اسلام به معنی کاملی که تمام انبیاء، برای اجرای آن مبعوث شدند، از اصول عقائد و اخلاق، و فروع مثل نماز و زکات و روزه، و مانند اینها که قابل نسخ ناپذیر است، باشد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۱۸). همان دینی که خداوند غیر از آن دین، دین دیگری را نمی‌پذیرد (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الدِّينِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (آل عمران: ۸۵ / ۳)؛ «هر کس به غیر از اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از خاسران است». وبا توجه به آیات دیگر قرآن کریم، این خسران، همان خسران مبین و آشکار در روز قیامت است که هم خودشان، و هم خانواده شان را دچار می‌کنند. (جزایری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۴۱).

۲-۳. ایمان به تمامی پیامبران و کتب آسمانی

خداوند متعال خالق تمام مخلوقات است. همانطور که بعد از آفرینش انسان، تمام نیازهای مادی و معنوی او را تامین کرده، در هیچ دوره‌ای انسان را بدون راهنما و هدایتگر رها نکرده است و همیشه و در هر دوره‌ای برای هدایت آنان، انسانهای وارسته و برگزیده‌ای به نام پیامبر، برای هدایت آنان در زندگی دنیوی و اخروی مبعوث کرده است. و از مردم می‌خواهد به راهنمایی‌های آنان توجه کرده، و از دستورات آنان اطاعت کنند. خداوند متعال در سوره بقره، با کمی اختلاف در سوره آل عمران می‌فرماید: (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (بقره: ۱۳۶ / ۲)؛ «بگوئید: ما به خدا ایمان آورده‌ایم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران اسباط بنی اسرائیل نازل گردید (و همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و ما جدایی در میان آنها قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم».

در این آیه خداوند، بعد از آنکه در آیه قبل از دعوت یهود و نصاری به سوی پیروی از مذهب خود سخن گفته، اینک آنچه نزد خداوند حق است، ذکر نمود، و آن عبارت است از شهادت بر ایمان به آنچه نزد انبیاء است، بدون اینکه فرقی بین انبیاء بگذارند، و آن همانا اسلام است (طباطبایی بیتا: ۱/۴۷۰).

بعد از اینکه خداوند از مسلمین می‌خواهد که اقرار به ایمان کنند، از آنان می‌خواهد که بگویند: ما به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران اسباط نازل گردیده، و همچنین به آنچه که بر موسی و عیسی و پیامبران دیگر از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان داریم و خود محوری و تعصب‌های نژادی هرگز باعث نمی‌شود که ما بعضی را بپذیریم و بعضی را نفی کنیم، همه آنها معلمانی الهی بودند که در دوره‌های مختلف، به راهنمایی انسانها پرداختند. و هدف همه آنها هدایت بشر، در پرتو توحید خالص و حق و عدالت بود (مکارم شیرازی، ۱/۱۳۷۴، ۴۶۹).

اسباط: جمع سبط است و سبط به معنای شجره، یعنی درخت است. و اسباط کسانی‌اند که در نسب از یک شجره، واصل باشند و در اینجا مقصود فرزندان یعقوب و ذریه آنان که نوادگان ابراهیم و اسحاق (ع)، و دوازده سبط، یا دوازده پسران یعقوب (ع) هستند (خسروانی، ۱۳۹۰: ۱/۱۸۰). دوازده سبط یعقوب عبارتند از: روبیل، لای، شمعون، بشجر و ریالون که فرزندان لیا بودند، و یوسف و بنیامین فرزندان راحیل، دان و تفتالی از کنیز راحیل، و جاد و اشیر از زلفا کنیز لیا می‌باشند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱/ص ۶۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱/۳۳۴).

اهل کتاب باید بیایند به پیامبر گرامی اسلام (ص) که خاتم پیامبران، و قرآن کریم که تصدیق کننده کتب پیشین خود و مکمل آنهاست ایمان بیاورند همانطور که مسلمانان به پیامبر و کتب آسمانی ایشان ایمان آوردند، و میان آنان هیچ فرقی قائل نشدند و خود پیامبر نیز پیش از مسلمین به ایمان خود اعتراف کرده‌اند: (أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...)

(بقره: ۲: ۲۸۵)؛ «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند، (و می‌گویند): ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم».

در آیات فوق خداوند از اهل کتاب، ایمان به تمامی انبیاء الهی، کتب آسمانی، فرشتگان را می‌خواهد. چرا که همه آنها خدای واحد، دین واحد اسلام دارند بنابراین هدف تمامی انبیاء اجرای دستورات دین واحد است. بنابراین دین واحد و خدای واحد، باید پیروان واحد داشته باشند که، هر آنچه خدای واحد ارسال می‌کند، ایمان بیآورند و تسلیم فرمان او باشند.

۴. اهل کتاب در سوره های زهراوین

قرآن کریم در بسیاری از آیاتش از اهل کتاب یاد می‌کند. در این آیات خداوند از سه گروه از اهل کتاب سخن به میان می‌آورد. گروهی که از همان اوایل بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص)، صف خودشان را از بقیه جدا کردند و به پیامبر(ص) و رسالتش ایمان آوردند. و از اهل کتاب جدا شدند. بنابراین این گروه دیگر اهل کتاب نیستند بلکه مومنان واقعی هستند. خداوند ضمن تمجید از آنان می‌فرماید: (وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ) (آل عمران: ۳/ ۱۹۹)؛ در آیه خداوند می‌فرماید: آنان که به خدا، و آنچه که بر پیامبر خدا، و آنچه برای خودشان نازل شده، ایمان آورده‌اند، در برابر فرمان خداوند، خاضع و فرمانبردار هستند، و آیات خداوند را به بهای اندک نمی‌فروشند. پس خداوند نیز حق آنان را ضایع نمی‌کند بلکه اجرشان را محفوظ داشته است. بنابراین این گروه دیگر مومنان واقعی هستند. و مومنان باید با مومنان رفتار و تعامل برادرگونه داشته باشند. چرا که مومنان برادران همدیگر هستند: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ) (حجرات: ۱۰/۴۹). اما گروه دوم که اکثریت را تشکیل می‌دهند، نه تنها در مقابل راه خدا ایستاده، دیگران را

هم گمراه می‌کنند (آل عمران: ۹۹/۳)، آنان به کتمان حق (آل عمران: ۷۱/۳)، کفر به آیات الله و و کشتن ناحق انبیاء (آل عمران: ۲۲/۳) و روی آوردند. بنابراین خداوند از مسلمین عدم تعامل دوستی با آنان را می‌خواهد: «ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید» (مائده: ۵۱/۵). اما گروه سوم از اهل کتاب هستند که نه مانند گروه اول، خود را از اهل کتاب جدا کرده، به مومنان پیوستند، و نه مانند گروه دوم معاند که سد راه خدا و مسلمین شدند. آنان کاری با اسلام و مسلمین ندارند و در دین خود باقی مانده‌اند و علیه مسلمین هم هیچ اقدامی نمی‌کنند. خداوند به مسلمین دستور همزیستی و تعامل با آنان را می‌دهد، به شرطی که آنان جزیه ای را به عنوان مالیات به حاکم اسلام دهند، و بر علیه اسلام و مسلمین اقدامی نکنند. در مقابل حاکم اسلامی امنیت آنان را تامین می‌کند: (قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ) (توبه: ۲۹/۹)؛ «با کسانی از اهل کتاب که ایمان به خدا، و نه به روز جزا دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آئین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید، تا زمانی که جزیه را به دست خود با خضوع و تسلیم بپردازند».

۱-۴. نیکان و شایستگان اهل کتاب

در قرآن کریم خداوند از اهل کتابی سخن می‌آورد که بر خلاف اکثریت فاسق آنان، اهل ایمان بوده، به ندای حق لبیک گفته، از صف اهل کتاب بیرون آمدند و وارد صف مومنین شدند و دیگر اهل کتاب نیستند. خداوند در مورد آنان می‌فرماید: (لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (آل عمران: ۱۱۴/۳ - ۱۱۳)؛ «اهل کتاب همه برابر نیستند؛ از اهل کتاب، عده‌ای هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند؛ و همواره در اوقات شب، آیات خدا را تلاوت می‌کنند، در حالی که سجده کنان به خدا و روز قیامت ایمان

می‌آورند؛ آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند؛ و در انجام اعمال خیر، سبقت می‌گیرند؛ و آنها از شایستگانند».

در این آیه خداوند از کسانی مانند عبدالله بن سلام و همراهان او که صف شان را از معاندان اهل کتاب جدا کرده‌اند، یاد می‌کند و می‌فرماید که، همه اهل کتاب در یک صف قرار ندارند و همه آنها در برابر اسلام جبهه‌گیری نکرده‌اند و عناد و لجاجت نمی‌کنند. بلکه که از اهل کتاب گروهی هستند که مسلمان شده‌اند و در آنها اوصاف و نشانه‌های یک مسلمان واقعی موجود است و از شش علامت ایمان واقعی آنان یاد می‌کند: ۱- طاعت و عبادت الهی ۲- شب زنده‌داری و تلاوت قرآن ۳- سجده کنندگان، و فروتنی در برابر خداوند ۴- ایمان به خدا و معاد ۵- آمران به معروف و ناهیان از منکر ۶- سبقت‌کنندگان در امور خیرات (جعفری، بیتا، ج ۲، ص ۲۱۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۶، ۲۵۴).

معرفی از اهل کتاب به عنوان به عنوان صالحان و شایستگان، یک امتیاز بزرگی است که رسیدن به آن، مصائب و تحمل سختی‌ها لازم است که در آیات دیگر در معرفی بسیاری از پیامبران، آنها را از صالحان معرفی می‌کند و در آیه ای دیگر، صالحان را همدیف پیامبران و شهداء و صدیقان قرار می‌دهد که نعمت خدا بر آنها سرشار است: (فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ) (نساء: ۶۹/۴)؛ پس عده ای از اهل کتاب را، خداوند صالحان معرفی می‌کند که همانند پیامبران، صدیقان و شهداء پاداش الهی نصیب آنان می‌شود.

همچنین در جای دیگری از امانتداری عده‌ای این گروه، در مقابل عده‌ای که به امانت خیانت می‌کنند، یاد می‌کند: (وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا) (آل عمران: ۷۵/۳)؛ در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز

می‌گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی.

این آیه درباره دو تن از یهود نازل شده که یکی امانتدار و درست کردار و دیگری خیانتکار و بدکار بود یکی عبد الله بن سلام که مرد ثروتمند ۱۲۰۰ اوقیه طلا نزد او به امانت گذاشته شد، او همه آن را به موقع به صاحبش برگرداند و به خاطر همین امانت داری خداوند او را مورد تمجید قرار داده است. شخص دوم فنحاص بن عازورا از قریش یک دینار به او امانت سپرده شد، فنحاص در آن خیانت کرد خداوند او را به خاطر همین خیانت در امانت سرزنش و توبیخ می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۲۰ / طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۲۹). آن کس که امانت را به صاحبش برگرداند، از نصاری بود، اما کسی که به امانت خیانت کرد و آن را برنگرداند، از یهود بود (سیوطی، ۱۴۴۰، ج ۲، ص ۴۳ / میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۹).

مراعات انصاف لازم است، خوبان سزاوار ستایش هستند، هر آیینی خوب و بد دارد اگر گروهی ایمان نمی‌آورند و حقایق را کتمان و تحریف می‌کنند، در عوض گروهی خاشعانه ایمان دارند، ایمانی ارزشمند است که خاشعانه، «خاشِعِينَ» و کامل باشد، و مستمر باشد، تغییر ناپذیر باشد، و هر بهائی در برابر دین‌فروشی پرداخت شود، کم و ناچیز است. (ر.ک قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۸۵)

برخی از اهل کتاب به خداوند، به قرآن، تورات و انجیل که بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم و پیامبران قبلی نازل شده بود، ایمان آورده، در اطاعت از خداوند خاضع و فروتن هستند، آیات خداوند را به بهای اندک دنیا نمی‌فروشند یعنی صفات پیامبر (ص) را که در کتابشان خوانده بودند، کتمان نمی‌کنند. بر خلاف کسانی که به خاطر ریاست و جاه طلبی این کار را کردند، برای همین است که پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است و خداوند حق آنان را ضایع نمی‌کند.

با توجه به آیات ذکر شده، همه اهل کتاب در یک صف قرار ندارند و همه آنان نافرمان نیستند بلکه عده‌ای هر چند اندک، به فرامین خداوند عمل کرده، به همه پیامبران الهی و کتب آسمانی و روز معاد ایمان آوردند، دارای ویژگی امانتداری، خشوع در برابر خداوند، ساجدین، آمرین به معروف و ناهیان منکر و سبقت گیرندگان در امور خیرات هستند. برای همین است خداوند نیز از آنان تمجید نموده، به نیکی از آنان یاد می‌کند و وعده پاداش دنیوی و اخروی به آنان می‌دهد و اعلام می‌دارد که حق آنان به خاطر نافرمانان اهل کتاب، ضایع نمی‌شود. بنابراین این گروه مومن واقعی و برادران دینی مسلمانان هستند و باید با آنان تعامل و همزیستی برادرگونه داشته باشند.

۲-۴. فاسقان اهل کتاب

این گروه از اهل کتاب که اکثریت آنان را شامل می‌شود، همان هایی هستند که سد راه اسلام و مسلمین شدند، و برای ضربه زدن با دین نوپای اسلام، از هیچ کاری فرو گذار نکردند. بعضی از اوصاف آنان عبارتند از:

۱-۲-۴. نژادپرستی

نژادپرستی بارزترین ویژگی اهل کتاب است که، به خاطر همین خود برتر بینی و نژاد پرستی، آنان دیگران را تحقیر کرده، انواع ظلم و ستم ها را در طول تاریخ در پرونده ننگین خود ثبت کرده اند.

برخی از اهل کتاب، خود را برتر و برگزیده می‌دانند که، اعتقاد دارند دنیا و آخرت و بهشت به خاطر آنان به وجود آمده است و همچنین معتقدند آنان فرزندان و دوستان خاص خداوند هستند: (وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ) (مائده: ۱۸ / ۵)؛ یهود و نصاری گفتند: ما، فرزندان خدا و دوستان او هستیم.

تردیدی نیست که آنها خود را واقعا فرزند خدا نمی‌دانستند ولی منظور آنان از انتخاب عنوان فرزند خدا بودن، به خاطر این علت بوده که بگویند ارتباط مخصوصی با خدا دارند، که دیگران ندارند. چنانچه هر کس در نژاد آنها وارد می‌شد، بدون اینکه ایمان و عمل صالحی داشته باشد، خود به خود، از محبان، و گروه فرزندان خدا می‌شود. اما واضح است که قرآن در مقابل این امتیازات ساختگی آنان مقابله کرده، ارزش انسان را فقط در ایمان و عمل صالح می‌داند نه به این امتیازات توهمی آنان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۲۹).

آنان از عذاب آخرت نیز خود را میرا می‌دانند «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً..» (بقره: ۸۰)؛ «و می‌گویند فقط چند روز اندک خداوند ما را عذاب می‌کند». بعضی معتقدند: منظور از روزهای معدود، همان چهل روزی که، در غیاب موسی (ع) گوساله پرست شدند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۹۰). ولی با این حال آنان امیدوار بودند که، حتی اگر به خاطر گناهانشان عذاب شوند، چند روز اندکی خواهد بود. آنان حتی بهشت و آخرت را منحصر به خودشان می‌دانستند: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا» (بقره: ۱۱۱ / ۲)؛ «گفتند هیچ کس، غیر از یهود یا نصاری، هرگز وارد بهشت نخواهد شد.»

این آیه بیانگر این مطلب می‌باشد که: یهود بهشت را منحصر به خود، و نصاری هم منحصر به خودشان می‌دانستند. و معتقد بودند غیر از خودشان کسی وارد در بهشت نمی‌شود (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۳).

اهل کتاب به اندازه‌ای خود را برگزیده خدا می‌دانند که ادعا دارند که هدایت منحصر به آنهاست و دیگران منحرف و گمراهند: «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارًا تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةٌ إِبرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (بقره: ۱۳۵)؛ «و گفتند: یهودی و نصرانی شوید تا هدایت یابید. بگو بلکه آیین حق گرای ابراهیم را پیروی می‌کنیم چرا که او از مشرکان نبود.»

نمونه‌ی دیگری نژاد پرستی آنان این است که، یهود گفتند: دین ما بهترین دین هاست و موسی(ع) پیامبر ما، بهترین پیامبران، و تورات کتاب ما، با فضیلت ترین کتابهاست. برای همین آنان به عیسی(ع) و انجیل، و محمد(ص) و قرآن کافر شدند و نصاری هم گفتند: دین ما بهترین دینها، و پیامبر ما عیسی(ع) بهترین انبیاء و انجیل کتاب ما بهترین کتابهاست بنابراین آنان نیز بر محمد(ص) و قرآن کافر شدند (ثعالبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۸۲).

آری اهل کتاب به خاطر همین نژاد پرستی و خود برتر بینی‌شان، حتی حضرت ابراهیم(ع) را یهودی و نصرانی دانستند ولی خداوند آنان را در اشتباه عمیق می‌داند و می‌فرماید: (ما كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (آل عمران: ۶۷/۳)؛ «ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحدی خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود».

در این آیه خداوند به یهود و نصاری اثبات نموده که مومن واقعی کسی است که پیرو دین حق گرای ابراهیم باشد. چرا که او هرگز مشرک نبود. اما یهود و نصاری مشرک بودند. یهود گفتند «عزیر» پسر خداست و نصاری گفتند «مسیح» پسر خداست: (توبه: ۳۰/۹)، پس هر دو مشرک شدند. اما در آیین ابراهیم(ع) هیچ شرک و انحرافی وجود ندارد.

۲-۲-۴. کتمان حقایق و تحریف آیات الهی

در آیات زیادی از قرآن به وضوح می‌بینیم که اهل کتاب، خصوصاً یهود، جهت رسیدن به منافع مادی خودشان، و متاع ناچیز دنیا کتابهایشان را تحریف کردند، و حقایق مربوط به پیامبر(ص) را کتمان نمودند. خداوند به پیامبر اسلام(ص) و مسلمین می‌فرماید: انتظار نداشته باشید که یهود به این راحتی ایمان بیاورد و چرا که سابقه شوم آنها این را نشان می‌دهد: (أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (بقره: ۷۵ / ۲)؛ «آیا

انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، در حالی عده‌ای از آنها سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن آن را تحریف می‌کردند در حالی که به آن علم و آگاهی داشتند».

پیامبرگرامی اسلام(ص) اشتیاق زیادی داشتند که یهود به دین جدید داخل شود برای اینکه دین اسلام نزدیکترین دین، به تعالیم و مبادی و اعراض آنان بود. و آنان در اعتقادشان به توحید، و تصدیق قیامت مشترک بودند و دین شان نیز آن را تصدیق می‌نمود. اما خداوند به پیامبر(ص) فرمود: انتظاری از آنان نداشته باش که ایمان بیاورند (مراغی، بیتا، ج ۱، ص ۱۴۸). گذشتگان قوم یهود اوصاف محمد(ص) را که در تورات آنان آمده و خوانده بودند، تحریف کردند، و تا حجتی علیه آنان وجود نداشته باشد (مغنیه، بیتا، ج ۱، ص ۲۶۶).

و در جای دیگر در مورد کتمان حقایق توسط اهل کتاب فرموده: (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ آوَتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتُرُونَ) (آل عمران: ۳/ ۱۸۷)؛ «به خاطر بیاورید زمانی را که خداوند، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها، آن را پشت سر افکندند؛ و به بهای کمی فروختند؛ و چه بد متاعی می‌خرند».

از علماء و دانشمندان اهل کتاب پیمان گرفته شده بود که هر بشارت و اطلاعاتی که درباره شریعت اسلام و نزول قرآن در کتابهای آسمانی آنها (تورات و انجیل) به آنان وعده داده شده، باید آن را به مردم و پیروان خود آشکارا اعلام کنند و آنها را در دسترس مردم قرار دهند و تحت هیچ شرایطی کتمان حقایق نکنند. ولی با این همه تذکرات خداوند، پس از گذشت زمان پیامبری موسی و عیسی علیهما السلام احبار و راهبان آنان نسبت به کتاب آسمانی خیانت نموده، و بشارتهای مربوط به شریعت محمد(ص) را تحریف نمودند، و به منظور سوء استفاده از پیروان خود اخبار و

بشارتهائی را که از پیامبران نیز در این باره میان مردم منتشر بود، تأویل می‌کردند، و در صورت امکان از انتشار آن جلوگیری می‌نمودند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۸ / جعفری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۳).

به همین علت خداوند متعال در عذاب کتمان کنندگان حقایق، آنان را مورد نفرین و لعن خدا و نفرین کنندگان معرفی می‌کند و می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) (بقره: ۱۵۹ / ۲)؛ «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند».

اغلب دانشمندان می‌گویند: مراد از این آیه یهود و نصاری مانند کعب بن اشرف و کعب بن اسد و ابن صوری و زید بن تابوه و غیر آنها از علماء نصاری است که امر پیغمبر اسلام (ص) و نبوت آن حضرت را با اینکه در تورات و انجیل وارد دریافت کرده بودند. ولی در حالی به حقانیت آن اطمینان داشتند، کتمان کردند. ولی بعضی می‌گویند آیه شامل کلیه کسانی است که کتمان می‌کنند آنچه را از خداوند متعال نازل گردیده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۳۴). یعنی خداوند صفات پیامبر موعود را برای آنان، قبل از بعثت ایشان، برای یهود و نصاری ذکر کرده بود. اما آنان با اینکه می‌دانستند، به کتمان حقایق پرداختند. آری اهل کتاب آگاهانه دست به تحریف کتب آسمانی خود زدند و صفات پیامبر موعود را که خداوند در کتابهای شان قبل از بعثت ایشان برای آنان بیان شده بود، کتمان کردند. در حالی که مانند فرزند خود پیامبر موعود را می‌شناختند: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (بقره: ۱۴۶ / ۲).

۳-۲-۴. کفر اهل کتاب

کفر اهل کتاب نسبت به پیامبری گرامی اسلام، نمی‌تواند هیچ دلیل قانع کننده‌ای داشته باشد. زیرا انتظار می‌رفت آنان اولین پیروان محمد(ص) باشند. چون به خوبی او را می‌شناختند و انتظار می‌رفت اولین استقبال کنندگان پیامبر موعود باشند: (وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ) (بقره: ۲/ ۸۹)؛ «هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند، نزد آنها آمد، به او کافر شدند».

این آیه، قسمتی از لجاجت‌ها و هواپرستی‌های یهود را مطرح می‌کند که آنها بر اساس بشارت‌های تورات، منتظر بعثت پیامبر موعود بودند و حتی به همدیگر مژده پیروزی بر کفار را می‌دادند. حتی یکی از دلایل سکونت آنان در مدینه این بود که آنها به توجه به آنچه در کتاب آسمانی خود خوانده بودند، مدینه، محل هجرت پیامبر است و به همین علت قبل از ظهور پیامبر موعود، در آنجا سکونت اختیار کرده بودند، ولی بعد از ظهور پیامبر اسلام، با آنکه نشانه‌های وی را مطابق با آنچه در تورات خوانده بودند، یافتند، انکار کرده، کفر ورزیدند (قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۵۷). قبل از بعثت پیامبر گرامی اسلام، اهل کتاب بر کافران احساس فتح و پیروزی می‌کردند و می‌گفتند: خدایا ما را با بعثت پیامبر آخر الزمان بر کفار پیروز بگردان. اما بعد از بعثت، وقتی او را شناختند و فهمیدند که او حق است، از روی حسد و ترس از دست دادن ریاست، به او کفر ورزیدند (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۷).

بنابراین به جای پیروی از پیامبری که سالها انتظارش را کشیده بودند، به آزار و اذیت پیامبر و پیروان ایشان همت گماشتند: (لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ

مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَىٰ كَثِيرًا (آل عمران: ۱۸۶/۳)؛ «به یقین (همه شما) در اموال و جانهای خود، آزمایش می‌شوید! واز کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده (یهود)، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید».

هنگام مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه، مشرکان به اموال آنان هجوم برده، و هرکسی که می یافتند، مورد شکنجه واذیت قرار می‌دادند. و در مدینه نیز، یهودیان آنها را با زبان و سخنانشان مورد آزار قرار دادند. وحتی عده‌ای با کمال بی‌شرمی برای زنان و دختران مسلمان، غزل سرایی کرده ویا آنها را هجو می‌نمودند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۶۸).

آنان، خصوصا یهود سرسخت ترین دشمنی را با مسلمانان داشتند «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا..» (مائده: ۸۲ / ۵)؛ «به طور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت».

به طور قطع، کفار با اهل اسلام عداوت و دشمنی دارند ولی دشمنی یهود و مشرکان از سایر کفار با اهل اسلام شدیدتر است زیرا مشرکان منکر توحیدند چه رسد به نبوت و امامت و سایر اصول دین و مذهب پس هیچ قدر مشترکی با اهل اسلام ندارند و کلی از وادی حق و حقیقت دورند و یهود علاوه بر آن مردمان لجوج عنود حسود جحود طاغی باغی باغی هستند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۵۵). در این آیه شدت عداوت اهل کتاب خصوصا یهود را بیان می‌کند به طوری که یهود را به جهت شدت دشمنی شان با مومنان، آنان را همطراز و همردیف مشرکان قرار می‌دهد و اشاره به قدمت و رسوخ دشمنی آنان می‌کند (قونوی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۵۳۸).

به همین دلیل است که خداوند از مسلمانان می‌خواهد که آنان را دوست و همراز خود نگیرند: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ) (مائده: ۵۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را تکیه‌گاه خود قرار ندهید».

یعنی یهود و نصاری را تکیه‌گاه خود قرار ندهید، به آنان اعتماد نکنید و مانند دوستان با آنان معاشرت نداشته باشید (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۳۶).

آنان مورد اعتماد نیستند. چون دشمن سرسخت مومنان هستند. گاهی از روی نفاق چیزی را می‌گویند که مومنان تصور کنند، که آنان، دوست آنان هستند، اما دل‌هایشان، از کینه مومنان سرشار است. و دنبال آسیب رساندن به مومنان هستند. پس نباید با آنان از راه دوستی وارد شد. باید با آنان پیکار کرد، آنان شایسته سازش و صلح و دوستی نیستند.

اما در این میان گروه عده‌ای هستند که با اینکه ایمان به خدا ندارند، اما اهل جنگ و مخالفت با مسلمانان نیستند، و کاری هم علیه اسلام و مسلمین نمی‌کنند و خداوند در مورد آنان می‌فرماید: (قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ) (توبه: ۲۹ / ۹)؛ «با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمارند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند».

در این آیه خداوند، در صورتی اجازه کنار آمدن با این گروه از اهل کتاب را می‌دهد که آنها حاضر شوند به صورت یک اقلیت سالم مذهبی با مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند، اسلام را محترم بشمارند و دست به تحریکات بر ضد مسلمانان و تبلیغات مخالف اسلام نزنند، و یکی دیگر از نشانه‌های تسلیم آنها در برابر این نوع همزیستی مسالمت‌آمیز آن است که "جزیه" را که یک نوع مالیات سرانه است، بپذیرند، تحت این عنوان به حکومت اسلامی بپردازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۵).

۵. نتیجه‌گیری

در قرآن کریم، خصوصا سوره‌های زهراوین به مساله اهل کتاب و نحوه تعامل با آنان تاکید شده است. سوره‌های زهراوین بیشترین آیات مربوط به ویژگی‌های اهل کتاب را در خود جای داده‌اند. به طوری که آیات مربوط به دعوت به اتحاد و همبستگی تمامی اهل کتاب با یکدیگر و عدم هر گونه شرک و تفرقه، در این سوره‌ها آمده است. همچنین در این سوره‌ها خداوند دعوت به ایمان به خدا و تمامی پیامبران الهی و کتب آسمانی و فرشتگان الهی می‌کند. همچنین خداوند در این سوره‌ها برای پیروی همه انسانها، یک دین واحد به نام اسلام معرفی می‌کند که همه پیامبران الهی برای اجرای دستورات این دین مبعوث شده‌اند. بنابراین آنچه خداوند در قرآن از مسلمانان و اهل کتاب می‌خواهد، اتحاد و همبستگی در سایه ایمان به توحید و نفی شرک است. در قرآن از سه گروه از اهل کتاب یاد شده است که گروه اول، از همان اوایل بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص)، با مسلمانان متحد و همگام شده، از اهل کتاب معاند جدا شدند و به مومنان واقعی ملحق شدند. اما گروه دوم معاند که اکثریت را شامل می‌شوند، سد راه اسلام و مسلمین شدند که خداوند عدم تعامل و دوستی با آنان را از مسلمانان می‌خواهد. اما گروه سوم، نه مانند گروه اول به مسلمانان ملحق شدند و تسلیم امر الهی شدند، و نه مانند گروه دوم معاند که سد راه اسلام و مسلمین شدند. این گروه در دین خود باقی ماندند اما در عین حال اقدامی علیه مسلمین انجام ندادند. خداوند به این گروه اهل کتاب اجازه تعامل و همبستگی را می‌دهد. به شرطی که علیه اسلام و مسلمین اقدامی نکنند و همچنین برای اینکه در پناه کشور اسلامی باشند، جزیه‌ای را به حاکم اسلامی بپردازند.

منابع وماخذ

* قرآن

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیرالقرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۱۲ق)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارلکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- اولیف، من مک (۱۳۹۰)، دائره المعارف قرآن، ترجمه حسین خندق آبادی، مسعود صادقی، مهرداد عباسی، امیر مازیار، تهران، انتشارات حکمت.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران، بنیاد بعثت..
- بلاغی نجفی محمد جواد (۱۴۲۰)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی..
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۰)، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، جواهر الاحسان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جدید بناب، علی (۱۳۸۵)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق)، ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه المنوره، مکتبه العلوم والحکم.
- جعفری، یعقوب (بیتا)، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت.
- جلالی کندری، سهیلا (۱۳۸۰)، یهود شناخت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق)، تفسیر انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.

- خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامیه.
- خوانین زاده، محمد حسین (۱۳۹۱)، پیامبر (ص) و یهود مدینه، قم، نشر میثاق کتاب.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره، دارالشروق.
- شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷)، الجواهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین، کویت، مکتبه الالفین.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، نشر مولف.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بیتا)، ترجمه تفسیر المیزان: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- عبدالفتاح طباره، عفیف (۱۳۵۱)، یهود از نظر قرآن، تهران، نشر بعثت.
- _____ (بیتا)، چهره یهود در قرآن، قم، نشر جهان آرا.
- فعال عراقی نژاد، حسین (۱۳۸۶)، یهود در المیزان، تهران، نشر سبحان.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
- _____ (۱۴۱۸ق)، الصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرآتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، نشر مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

- _____ (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- قریب، محمد (۱۳۶۶)، تبیین الغات لتبیین الایات، تهران، انتشارات میعاد.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق)، حاشیة القونوی علی تفسیر البیضاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق)، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- محلی جلال الدین و جلال الدین سیوطی (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات..
- مراغی، احمد بن مصطفی (بیتا)، تفسیر مراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۲۹۷ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مغنیه، محمد جواد (بیتا)، ترجمه تفسیر کاشف، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالعلی (۱۳۶۹)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت (ع).
- میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیرکبیر.

**Investigation and Analysis of the Attributes of People of the Book and
the Holy Quran's Way of Interacting with Them with Emphasis on the
Zahravin Surahs**

**Zahra Aghababaei* Hossin Moradi² and Mohammad Hossin Saeibi² and
Frhad Edrisi³**

1- PhD Candidant, Department of Quran and Hdis, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

2- Assistant Professor, Department of Quran and Hdis, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

3- Associate Professor, Department of Quran and Hdis, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

(Received August 9, 2021– Accepted: September 9, 2021)

Abstract

Baqarah and Al-Imran surahs (Surahs of Zahravin) have the most verses related to interaction with people of the book. In these surahs, God mentions only one religion for all generations, the religion of Islam. In this era, which is the age of interaction with other divine religions, the investigation of this issue is of special importance. This research investigates and analyzes interaction with people of the book in the Qur'an, with an emphasis on the Zahravin surahs, with descriptive and analytical methods analyzing the books of Quranic sciences and the interpretations of Fariqin. According to the findings of this research, the principle in the Holy Quran is unity and solidarity under the shadow of faith in one God, negation of any kind of polytheism and division, and faith in all prophets and holy books and angels, or stated in other words, faith in the only religion of Islam. But, the people of the book have acted differently, in contrast to this order of God in Quran, and thus the way of interacting with them will also be different. Some of them should be treated peacefully, some should be ordered to pay jeziya, and others should not be interacted with, or should even be fought with.

Key Words: People of the Book, Zahravin, Divine religions.

* Corresponding Author, Email: Z09146531382@gmail.com